

تأملی در خصوص بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی زیر آب با تأکید بر رویکرد کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو

محمد رضوی‌راد^۱ - ژانت الیزابت بلک^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۸ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۰

چکیده

در زمینه بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی زیر آب، هدف فعالان تجاری، کسب بیشترین سود با صرف کمترین هزینه و زمان است. این هدف در تعارض با اصول باستان‌شناسی است که اعمال آنها مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان و صرف زمان بسیار است. امروزه با توجه به تنوع راه‌های بهره‌برداری تجاری (که دیگر محدود به فروش اشیاء باستانی و تاریخی نیست)، سازش میان اهداف فعالان تجاری و باستان‌شناسان دور از ذهن نخواهد بود. اسناد بین‌المللی نیز هر یک رویکرد خاص خود را اتخاذ نموده‌اند، برخی به صراحت هرگونه بهره‌برداری تجاری از این میراث را منع و برخی دیگر به طور تلویحی آن را تجویز نموده‌اند. پرسش کلیدی در این زمینه رویکرد «کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب» است. تحلیل دقیق مقررات کنوانسیون مزبور نشان می‌دهد که این کنوانسیون با اتخاذ رویکردی واپسگرایانه، تقریباً فروش اشیای باستانی و تاریخی را منع نموده است. موضع کنوانسیون می‌توانست در این زمینه مترقیانه‌تر و منطبق با ضرورت‌های عملی از جمله تأمین مالی پروژه‌های باستان‌شناسی در آینده باشد.

واژگان کلیدی: بهره‌برداری تجاری، فروش اشیای باستانی، فعالان تجاری،

کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو، میراث فرهنگی زیر آب

۱. دکتری حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mohammad_razavi_rad@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق بشر و محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
j-blake@sbu.ac.ir

مقدمه

بسیاری از محوطه‌های باستانی در آب‌های مجاور سواحل، یا به طور کامل مورد حفاری قرار گرفته‌اند و یا به گونه‌ای دیگر مورد بهره‌برداری واقع شده‌اند. در آب‌های ماورای دریای سرزمینی تعداد زیادی از کشتی‌های غرق شده تاریخی وجود دارند که علاوه بر آنکه واجد ارزش‌های تاریخی و باستان‌شناختی هستند، از ارزش بالای تجاری نیز برخوردارند. یونسکو تعداد لاشه‌های کشتی‌های کشف نشده را بیش از سه میلیون برآورد نموده است.^۱ با این حال به علت هزینه هنگفت کاوش و بازیابی در بستر آب‌های عمیق، تعداد کشتی‌های غرق شده‌ای که از لحاظ بهره‌برداری‌های تجاری مورد توجه هستند، ممکن است به نسبت بسیار کمتر باشد.^۲ در حال حاضر بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد. در معنای موسع این اصطلاح می‌تواند دربرگیرنده هر نوع اقدام درآمدزا نظیر دریافت ورودی از مردم برای بازدید از محوطه‌های تاریخی و فرهنگی، فروش یادگاری‌ها و سوغاتی‌ها، کتاب‌های راهنما، لوح‌های فشرده و... باشد. اما در معنای مضیق یا بهتر بگوییم در معنای معمول، بهره‌برداری تجاری به معنای فروش اشیای تاریخی تلقی می‌شود. همین جنبه بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی یک مسئله بحث برانگیز است، بویژه زمانی که فروش اشیای مزبور منتج به پراکندگی اشیای متعلق به یک محوطه باستانی و تاریخی می‌شود. در مواردی که شرایط حاکم بر فروش، منجر به چنین پراکندگی گردد، یکی از اصول اساسی باستان‌شناسی نقض می‌شود. اصل مزبور مبتنی بر این امر است که اشیای تاریخی بازیابی شده از یک محوطه باستانی باید در کنار هم و به صورت یک مجموعه نگهداری شوند تا برای اهداف تحقیقاتی و نمایش عمومی در دسترس و قابل استفاده باشند. مشکل اصلی در اینجا، نفس فروش این اشیاء نیست، بلکه پراکندگی غیرقابل جبران آنهاست که معمولاً در نتیجه فروش آنها در بازار آزاد حاصل می‌شود.

به همین علت بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی همیشه با واکنش منفی باستان‌شناسان

1. <http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/underwater-cultural-heritage/> (Last visited: 25 Feb. 2017).

۲. یکی از بنیانگذاران و مدیر اجرایی «شرکت اکتشاف دریایی اودیسه» بیان داشت که این شرکت «دارای منفعت تجاری کمتر از ۰/۰۳ از تعداد کشتی‌های غرق شده طبق برآورد یونسکو در سر تا سر جهان است» (Parham & Stemm, 2010: 5).

روبرو شده است. چرا که در بیشتر مواقع نتیجه آن، چیزی نیست جز فروش و پراکندگی غیرقابل جبران اشیای مربوط به یک محوطه باستانی یا آسیب و صدمه به آنها از سوی کسانی است که به چیزی غیر از تجارت پر سود خود نمی‌اندیشند. در مقابل به علت هزینه‌های سنگین انجام پروژه‌های باستان‌شناسی در اعماق دریا و محدودیت بودجه عمومی، عدم ورود فعالان تجاری به این حوزه و سرمایه‌گذاری‌های کلان از سوی آنها، انجام پروژه‌های باستان‌شناسی را با محدودیت‌های قابل ملاحظه‌ای مواجه می‌سازد. بنابراین در آغاز امر این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که آیا به واقع امکان سازش میان دغدغه‌های باستان‌شناسان و اهداف منفعت‌طلبانه فعالان تجاری در این حوزه وجود دارد؟ سؤال کلیدی که در نهایت این پژوهش بدان خواهد پرداخت این است که رویکرد اسناد بین‌المللی بویژه کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو به عنوان مهمترین و جدیدترین سند اختصاصی بین‌المللی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب در مورد بهره‌برداری تجاری از این میراث چگونه است؟

۱. دیدگاه‌های متفاوت در خصوص بهره‌برداری تجاری

فعالیت‌های باستان‌شناسی صرفاً به معنای بازیابی اشیای تاریخی و باستانی از بستر دریا و مرمت آنها نیست، بلکه در واقع بازیابی اطلاعات تاریخی است که در نتیجه این فعالیت‌ها از اشیای مزبور بدست می‌آید. محوطه‌های باستانی همچون لاشه کشتی‌ها به مثابه «کپسول‌های زمان»^۱ حاوی اطلاعات ارزشمندی در رابطه با گذشته انسان‌ها هستند (Forrest, 2010: 340). بخش عمده اطلاعات از اشیایی یافت می‌شوند که دارای ارزش تجاری چندانی نیستند، نظیر بدنه کشتی، اثاثیه، وسایل شخصی مسافران و خدمه کشتی. برای اینکه بیشترین اطلاعات ممکن از یک محوطه باستانی استخراج گردند، حفاری‌ها و کاوش‌ها باید با استفاده از مهارت‌ها، فنون و روش‌های مناسب باستان‌شناسی انجام شوند. اشیایی که از یک محوطه باستانی بازیابی می‌شوند باید به صورت مناسب نگهداری و سپس مرمت گردند. انجام فعالیت‌های باستان‌شناسی به صورت صحیح و اصولی؛ لزوماً پرزحمت، پرهزینه و وقت‌گیر است. بنابراین کارهایی از این دست اساساً با کارهای سودمحور تجاری که مستلزم حداکثر بازده در مقابل حداقل مبلغ سرمایه‌گذاری است، ناسازگار است. اگر اقدامات باستان‌شناسی با

1. Time Capsules.

انگیزه‌های تجاری همراه شوند، مطمئناً از کیفیت مطلوب کار کاسته خواهد شد. همچنان که پیشتر اشاره شد اشیای تاریخی کشف شده از یک محوطه باستانی باید در کنار هم و به صورت یک مجموعه نگهداری گردند تا برای اهداف آموزشی و تحقیقاتی حال و آینده در دسترس باشند، در غیر این صورت باید به نحوی نگهداری شوند که بتوان در آینده و در صورت لزوم آنها را دوباره به صورت یک مجموعه گرد هم آورد. بنابراین هرگونه فروش یا اقدام دیگری که باعث پراکندگی غیرقابل جبران این اشیاء گردد، مطمئناً مضر خواهد بود. فعالان تجاری این عرصه خواهان به حداکثر رساندن درآمد خود با فروش اشیای باستانی شده با بالاترین قیمت ممکن می‌باشند و این امر معمولاً از طریق فروش فردی آنها در بازار آزاد حاصل می‌شود.

بودجه دولت‌ها برای باستان‌شناسی همیشه محدود بوده است. لذا همکاری با فعالان تجاری بخش خصوصی می‌تواند یک فرصت ارزشمند برای پروژه‌های باستان‌شناسی باشد که با مشکل مالی روبرواند. این همکاری در واقع یک معامله دو سر سود برای هر دو دسته خواهد بود. باستان‌شناسان می‌توانند از مزایای فعالیت‌های باستان‌شناسی در این پروژه‌ها که به خوبی تأمین مالی شده‌اند، بهره ببرند و اطلاعات جدید و ارزشمندی جمع‌آوری نمایند، از سوی دیگر فعالان تجاری نیز از مزایای روزافزون بهبود ارزش‌های باستان‌شناختی اشیای یافت شده، منتفع خواهند شد (Bederman, 1998-99: 129). اینکه بخواهیم همه بقایای یافت شده از یک محوطه باستانی را حفظ و ذخیره نماییم، چندان منطقی نبوده و اساساً ضرورتی هم برای آن وجود ندارد. برای مطالعه و مستندسازی، کافی است یک یا چند نمونه را به نمایندگی نگه داشته و مابقی اقلام باید فروخته شوند تا بودجه لازم برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های باستان‌شناسی آینده تأمین گردد. اگر انگیزه تجاری برای کاوش محوطه‌های باستانی وجود نداشته باشد، هیچ کاوشی صورت نخواهد گرفت و تمامی منافع و ارزش‌های آنها، اعم از تجاری و باستان‌شناختی برای همه غیرقابل دسترس خواهد شد. بنابراین اگر محوطه‌های باستانی مورد کاوش و باستانی قرار نگیرند و به حال خود رها شوند، به مرور زمان تخریب شده و در نهایت از بین می‌روند (Bryant, 2001: 136).

«سازش میان دیدگاه‌های دو طرف (باستان‌شناسان و فعالان تجاری) حاصل نخواهد شد مگر اینکه رویکردهای آنها تغییر کرده و طرفین از تجسم همدیگر به عنوان نماد شر از یک

سو و نماد پول‌پرستی و نخوت از سوی دیگر خودداری کنند» (Dorsey, 2000: 47). به نظر می‌رسد زمینه‌های مشترکی میان دیدگاه‌های طرفین وجود دارد که می‌توان به واسطه آنها روابط نه چندان دوستانه میان باستان‌شناسان و فعالان تجاری که از دیرباز مرسوم بوده را کنار گذاشت و بنای یک مصالحه را پی‌ریزی نمود. اگر با دیدی منصفانه به استدلال‌های هر دو طرف نظر افکنیم، بسیاری از آنها منطقی به نظر می‌رسند. بنابراین هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که اجرای پروژه‌های مشترک که پیونددهنده ارزش‌های باستان‌شناسی از یک سو و اهداف سودآور تجاری از سوی دیگر هستند، امکان‌پذیر نباشند، بویژه زمانی که محوطه باستانی در معرض تهدید (عوامل انسانی یا طبیعی) باشد.

با این حال سوال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا بازیابی لاشه کشتی‌ها از بستر دریا و مطابق استانداردهای باستان‌شناسی از لحاظ اقتصادی عملی خواهد بود؟ هزینه اجاره و نگهداری تجهیزات خاصی که برای انجام چنین فعالیت‌هایی ضروری هستند، بسیار زیاد خواهد بود. پس از انجام حفاری‌ها نیز، هزینه‌های دیگری جهت مرمت، ذخیره‌سازی و ساخت بناهای موزه نیز وجود خواهند داشت.^۱ لذا برای پوشش این هزینه و همچنین محقق نمودن سود برای سرمایه‌گذاران، ارزش فروش اشیاء باستانی و/یا سایر منابع درآمدی بایستی فوق‌العاده بالا باشد. مشکل اساسی دیگر در این زمینه آن است که آیا می‌توان در نهایت باستان‌شناسان را در خصوص فروش اشیای باستانی قانع نمود؟ در نگاه اول بعید به نظر می‌رسد، اما با توجه به اینکه همه اشیای باستانی از منظر تاریخی و باستان‌شناختی از درجه اهمیت یکسان برخوردار نیستند، ممکن است راهی برای اقناع باستان‌شناسان در این زمینه وجود داشته باشد. محوطه‌های باستانی دارای سطوح اهمیتی متفاوتی هستند و اقدامات مرتبط باید با توجه به ارزش‌های تاریخی و باستان‌شناختی هر محوطه صورت گیرد. در واقع سرنوشت اشیای بازیابی شده از یک محوطه باستانی بایستی متناسب با ارزش‌های تاریخی و باستانی‌شان تعیین گردند. فعالان تجاری این عرصه با فروش یافته‌های خود از لاشه‌های کشتی‌ها سود کسب می‌کنند. این مسئله برای بسیاری از محوطه‌های دارای ارزش‌های باستان‌شناختی

۱. به عنوان مثال می‌توان به مورد حفاری یک کشتی جنگی با عنوان Mary Rose اشاره کرد: در این پروژه هزینه ساخت یک موزه جدید به منظور نگهداری حدود ۱۹۰۰۰ عدد از اشیای بازیابی شده از محوطه باستانی مربوطه، بالغ بر ۳۵ میلیون پوند برآورد شد

غیرقابل قبول است، اما در خصوص محوطه‌های دارای اهمیت کمتر، شاید پافشاری بر دست نخورده ماندن آن محوطه‌ها چندان موجه نباشد (Hutchinson, 1996: 289 & 290).

۲. فروش اشیای باستانی و تاریخی

شرکت آمریکایی RMS تایتانیک در اوایل دهه ۹۰ میلادی یک سری مأموریت‌هایی جهت بازیابی اشیای تاریخی در محوطه باستانی کشتی تایتانیک به انجام رساند. سپس این اشیای برای نمایش عموم مردم در سراسر جهان عرضه شد. این شرکت از آغاز عملیات خود تصمیم گرفت که هیچ یک از اشیای گردآوری شده (به جز قطعه‌های زغال سنگ) را به فروش نرساند، در عوض سعی کرد که هزینه فعالیت‌های صورت گرفته در محوطه تاریخی (و همچنین کسب سود) را از طریق درآمدهای نمایشگاهی، فعالیت‌های رسانه‌ای و تجاری مرتبط، جبران نماید.^۱ با وجود آنکه کشتی تایتانیک یک کشتی معروف بود اما شرکت RMS تایتانیک برای حفظ الگوی تجاری خود دچار مشکلات فراوانی شد. این مشکلات ناشی از هزینه‌های هنگفت اعزام افراد به محوطه باستانی و هزینه‌های مربوط به تثبیت، مرمت، ثبت و ضبط، ذخیره‌سازی و نمایش هزاران شیء تاریخی بوده است. این شرکت در طول سال‌های مالی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ ضرری معادل ۷ میلیون دلار را متحمل شده است.^۲ این امر نشان از آن دارد که بهره‌برداری تجاری اگر متضمن فروش حداقل بخشی از اشیای باستانی و تاریخی نباشد، بعید است که دست کم در مورد کشتی‌های کمتر شناخته شده واقع در بستر آب‌های عمیق بتواند کارایی داشته باشد.

برخلاف مورد قبلی، بهره‌برداری تجاری از یک کشتی بخار مربوط به قرن نوزدهم که در سال ۲۰۰۳ در اقیانوس اطلس کشف شد، نمونه‌ای از بهره‌برداری تجاری است که با فروش برخی اشیای یافت شده همراه بوده است. این محوطه باستانی که در اعماق دریا قرار داشت، با استفاده از فن آوری رباتیک به صورت گسترده مورد حفاری قرار گرفته و هزاران سکه طلا و نقره و سایر اشیای تاریخی بازیابی شد. سکه‌های یافت شده به مجموعه‌داران فروخته شد، اما در خصوص سایر اشیای (شامل ظروف سفالی) بخشی از آنها به طور عمومی به نمایش گذارده

1. RMS Titanic Inc v Wrecked and Abandoned Vessel, 924 F. Supp. 714, 722-723 (ED Va, 1996) and RMS Titanic Inc v Wrecked and Abandoned Vessel, 9 F. Supp. 2d 624,639-640 (ED Va, 1998).

2. RMS Titanic Inc v Wrecked and Abandoned Vessel, 286 F.3d 194 (4th Cir (Va), 2002).

شد و بخش دیگری نیز جهت انجام مطالعات تحقیقاتی در اختیار پژوهشگران قرار گرفت (Stemm, 2010, Chaps: 1-5). «انجمن تخصصی کاوشگران کشتی‌های غرق شده آمریکا»^۱ استدلال می‌کند که انجام کاوش و بهره‌برداری از لاشه کشتی‌ها مطابق با اصول و مقررات حرفه‌ای امکان‌پذیر است، لذا برای اعضای خود یک سری «شیوه‌نامه اخلاقی»^۲ تدوین نموده است. این شیوه‌نامه آنان را ملزم می‌نماید که بالاترین استانداردهای حرفه‌ای در حین کاوش، حفاری، نجات و سایر موارد استفاده از اقلام مرتبط با کشتی‌های غرق شده را رعایت نمایند. همچنین شیوه‌نامه مزبور شماری از قواعد دقیق اجرایی برای اعضای خود تعیین نموده است که شامل مقرراتی در رابطه با: استخدام باستان‌شناسان صلاحیت‌دار، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه با توجه به ارزش‌های باستان‌شناختی و تأمین بودجه برای مرمت، تهیه فهرست از اشیای تاریخی و ذخیره‌سازی آنها است. این شیوه‌نامه در ادامه تصریح می‌کند: «این مسئولیت هر عضو است که بر کاوش هر کشتی غرق شده نظارت نماید تا اطمینان حاصل کند که اقدام مزبور به نحوی صورت می‌گیرد که تا آنجا که ممکن است، داده‌های علمی، تاریخی و باستان‌شناختی از محوطه باستانی استخراج گردد. علاوه بر این، آنان مسئولیت دارند که اطمینان حاصل نمایند اطلاعات بدست آمده از طریق وسایل ارتباط جمعی به موقع در دسترس عموم قرار گیرند»^۳.

رئیس انجمن میان دو دسته از اشیای بدست آمده از لاشه کشتی‌ها تمایز قائل شده است: «اشیای فرهنگی» و «اشیای تجاری». طبق نظر وی «اشیای فرهنگی» بایستی به عنوان بایگانی پروژه حفظ گردند، در حالی که «اشیای تجاری» را می‌توان فروخت. اشیای تجاری عبارتند از: محموله‌ها و سایر اشیایی است که برای مقاصد تجاری حمل می‌شده‌اند. وی معتقد است که برای تشخیص و تمییز اشیای تجاری از اشیای فرهنگی باید از معیارهای زیر بهره برد:

الف- ارزیابی تعداد نمونه‌های موجود در محوطه باستانی: این معیار به معنای ارزیابی تعداد اشیای تاریخی از یک نوع خاص است که در یک محوطه باستانی یافت شده است... وی توصیه می‌کند که حداقل پنج تا ده درصد نمونه‌ها در یک مجموعه باستانی حفظ گردند؛

1. US Professional Shipwreck Explorers' Association.

2. Code of Ethics.

3. ProSEA Code of Ethics, available at: www.prosea.org/about/codeethics.html (Last visited 15 May. 2017).

ب- سهولت ثبت و ضبط و تکثیر اشیای تاریخی: در شیوه نامه اخلاقی «انجمن کاوشگران کشتی های غرق شده» آمده است: اشیایی باید نگهداری شوند که مستندسازی، عکسبرداری، قالب گیری یا نمونه گیری آنها جهت مطالعه و تجزیه تحلیل آنها در آینده ممکن نباشد. به عنوان مثال سکه ها می توانند در وضوح بالا عکسبرداری شده، وزن و ابعاد آنان اندازه گیری شوند، به گونه ای که تقریباً تمامی اطلاعاتی که ممکن است برای مطالعه بیشتر در آینده مورد نیاز باشد، فراهم گردند؛

پ- برآورد ارزش باستان شناختی اشیای تاریخی کشف شده در مقایسه با ارزش بازگرداندن آنها به فرایند داد و ستد تجاری: فرض کنید که ۱۰۰۰ سکه طلای مشابه از یک کشتی غرق شده متعلق به اواخر قرن هجدهم بازیابی شوند. در چنین شرایطی ارزش تجاری این سکه ها می تواند به میلیون ها دلار برسد. از نظر ارزش باستان شناختی، تعداد زیادی از این سکه ها در حال حاضر وجود دارند و اطلاعات کمی از فرهنگ قرن هجدهم وجود دارد که در اسناد و داده های فعلی نتوان آنها را یافت. در مقابل و برخلاف مورد قبلی، تعداد زیادی از کوزه های *آمفورا* متعلق به یک محوطه باستانی که مربوط به دوران برنز در دریای مدیترانه هستند، به احتمال زیاد دارای ارزش تجاری قابل توجهی نخواهند بود. با این حال از آنجا که اطلاعات کمی از تجارت آن دوران در دسترس است، تغییرات جزئی در علامتگذاری *آمفوراها* و همچنین اطلاعاتی که از بقایای محتویات آنها بدست می آید، می تواند در زمره اطلاعاتی باشند که نتوان با روش های دیگر آنها را بدست آورد. در این مورد خاص نتیجه گیری معقولانه این است که ارزش تجاری اندک نمی تواند پراکنده نمودن اشیای متعدد یک مجموعه تاریخی را توجیه نماید» (Stemm, 2000: 3 & 4).

در سال ۲۰۰۲ قراردادی میان شرکت اکتشاف دریایی اودیسه و دولت انگلستان برای بازیابی هزاران سکه از لاشه یک کشتی جنگی منعقد شد. قرارداد مربوطه «موافقتنامه همکاری»^۱ نامگذاری شد و به عنوان یک شراکت عمومی / خصوصی برای انجام تحقیقات باستان شناسی در یک محوطه باستانی اعلام شد. بر اساس یک بیانیه مطبوعاتی که وزارت دفاع انگلیس منتشر نمود، این موافقتنامه: «یک گام مهم در توسعه رویکرد همکاری در

1. Partnering Agreement.

خصوص انجام فعالیت‌های باستان‌شناسی در آب‌های عمیق است که بر مبنای آن هرگونه بازیابی لاشه کشتی‌ها مطابق روش‌های شناخته شده و پذیرفته شده باستان‌شناسی انجام خواهد شد. پیش‌بینی شده است که فعالیت‌ها در این محوطه باستانی در نهایت، اقلام آموزشی و فرهنگی را به منظور استفاده نسل‌های آینده پژوهشگران، گروه‌های علاقمند و عموم مردم در سراسر جهان به ارمغان می‌آورد» (Dromgoole, 2003: 67).

اساس موافقتنامه این بوده که شرکت اودیسه در برابر دریافت بخشی از اشیای بدست آمده یا درآمد حاصل از فروش آنها، لاشه کشتی مورد نظر را کشف و اشیای مورد نظر را بازیابی نماید. با توافق طرفین مقرراتی برای طرح پروژه تدوین شده که تجهیزات، پرسنل و روش‌هایی را که باید به کار گرفته شوند به طور مشروح معین نموده است. همچنین مقرراتی در خصوص مرمت، مستندسازی اشیای بازیابی شده، مخارج پروژه، حقوق مالکیت معنوی و تجاری و «محرمانگی تجاری»^۱ تدوین شد (Dromgoole, 2004: 190 & 191). شرکت اودیسه اعلام نمود که این موافقتنامه تفکیک میان دسته‌های مختلف اشیای باستانی از نظر ارزش باستان‌شناختی آنان را به عنوان یک سازوکار مفید به رسمیت می‌شناسد تا از این طریق راه برای فروش تعدادی از اشیای مزبور برای کمک به تأمین مالی مدیریت میراث فرهنگی زیر آب هموار گردد.^۲

در این موارد انگیزه هر دو طرف معمولاً مالی است و چنین قراردادهایی سرنوشته تقسیم ارزش تجاری یا درآمد حاصل از فروش اشیای تاریخی و باستانی را تعیین می‌نمایند.^۳ لاشه کشتی غرق شده تنها یک دارایی متعلق به دولت نیست، بلکه یک محوطه باستان‌شناسی نیز قلمداد می‌گردد، به همین علت، با وجود پیش‌بینی مقررات مختلف جهت حفاظت از ارزش‌های باستان‌شناختی آن، این قرارداد با مخالفت قابل توجه نهادهای باستان‌شناسی انگلستان نظیر «شورای باستان‌شناسی»^۴ این کشور مواجه شد. این شورا در بیانیه اعتراضی خود

1. Commercial Confidentiality.

2. See www.shipwreck.net/spa1.html, (Last visited 27 Nov. 2016).

۳. یک مثال بارز در این زمینه قراردادی بود که توسط دولت انگلستان جهت بازیابی شمش‌های طلا از کشتی ادینبورگ منعقد شده است. ارزش این شمش‌ها بیش از ۴۰ میلیون پوند تخمین زده شده بود. مطابق این قرارداد شرکت نجات دهنده ۴۵ درصد از درآمد حاصل را دریافت می‌کرد و مابقی میان اتحاد جماهیر شوروی سابق و انگلستان تقسیم می‌شده است (Dromgoole & Gaskell, 1998: 195).

4. Council for British Archaeology.

اشعار داشته: «از رهگذر این معامله دولت انگلستان در حالی که جیب خود و شرکت خارجی را پر می نمود، وارد یک داد و ستد مشترک مخاطره آمیز برای فروش اشیای باستانی شد تا هزینه انجام یک پژوهش باستان شناسی مشکوک را پرداخت نماید».^۱ نگرانی اصلی شورا و دیگر مخالفان این قرارداد در خصوص مقرراتی در قرارداد بود که به فروش اشیای باستانی اختصاص داشت.^۲

۳. رویکرد اسناد بین المللی در خصوص بهره برداری تجاری

توصیه نامه ۸۴۸ شورای اروپا مورخ ۱۹۷۸ به عنوان نخستین سند بین المللی که به طور خاص به میراث فرهنگی زیر آب پرداخت، در قسمت حداقل الزامات خود به موضوع بهره برداری تجاری اشاره ای نکرد. با این حال گزارش منضم به توصیه نامه که بازتاب دهنده دیدگاه های مشاوران باستان شناس شورا در این خصوص بوده، مقرر می کند: «انگیزه کسب سود، سرعت و بازدهی بالا در عملیات نجات را غیرقابل اجتناب می کند و این دقیقاً برخلاف ثبت و ضبط دقیق و تحقیقات کنترل شده در یک محوطه باستانی است که استانداردهای باستان شناسی آنها را مقرر می کند. هیچ چارچوب قانونی یا اجرایی نمی تواند در این زمینه رضایت بخش باشد، مگر اینکه اقدامات مزبور را ممنوع نماید».^۳

از سوی دیگر مشاوران حقوقی شورا ضمن اشاره به دشواری های اعمال قوانین نجات بر لاشه کشتی های غرق شده، اظهار داشتند: «اگر فردی که محوطه باستانی را تصاحب نموده فقط به ارزش اقتصادی اشیای بازیابی شده علاقمند باشد، هیچ تضمینی وجود ندارد که اقدامات مناسبی در خصوص محوطه مزبور صورت گیرد. بخش مهمی از ارزش های تاریخی و فرهنگی اشیای باستانی ممکن است ناشی از موقعیت و ارتباط آنها با اشیای دیگر باشد. اگرچه مهیا نمودن شرایط مناسب می تواند موجب افزایش ارزش تجاری نیز گردد، اما یک

1. Council for British Archaeology, Press Release, 8 October 2002.

۲. گرچه نگرانی هایی نیز در خصوص مناسب بودن روش های ربائیک برای انجام حفاری های باستان شناسی و ترتیبات مقرر برای نظارت بر رعایت استانداردهای باستان شناسی نیز وجود داشته است.

3. Parliamentary Assembly of the Council of Europe, 'The Underwater Cultural Heritage: Report of the Committee on Culture and Education', Document 4200-E, Strasbourg, 1978, p. 39.

نجات دهنده به طور معمول توجهی به این جنبه از اقدامات خود ندارد.^۱ آنان ضمن توصیه بر مستثنی نمودن اعمال قوانین نجات و کشفیات بر اشیایی که بیش از ۱۰۰ سال زیر آب بوده‌اند، تصریح نمودند «اگر یک نجات دهنده بخواهد چنین اشیایی را بازیابی کند، باید الزامات مربوط به تمهیدات حفاظتی را رعایت نموده و در مقابل از رهگذر مقررات مرتبط با پاداش، تأمین و بهره‌مند گردد».^۲ این نظرات نشان دهنده آن است که از دیدگاه آنان مشارکتی که نشأت گرفته از انگیزه‌های تجاری باشد، به شرطی می‌تواند قابل قبول باشد که به دقت از طرف دولت قاعده‌مند گردیده و منطبق با استانداردهای حرفه‌ای باستان‌شناسی باشد.

همانند توصیه‌نامه ۸۴۸، «پیش‌نویس کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۵ در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب»^۳ به طور خاص به مسئله بهره‌برداری تجاری اشاره‌ای نکرد. همچنین مطابق مقررات کنوانسیون، امکان مشارکت شرکت‌های فعال تجاری در خصوص بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی زیر آب، تا حدودی زیادی به اراده دولت‌ها واگذار شد. ماده ۵ پیش‌نویس این کنوانسیون اشعار می‌دارد:

«الف - دولت‌های متعاقد ممکن است به افراد خصوصی^۴ یا ارگان‌های مربوطه مجوز انجام فعالیت‌های کاوش، حفاری و بازیابی اعطا نمایند.

ب - چنین مجوزهایی تنها بر مبنای ملاحظات علمی و با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص محوطه‌های باستانی و امکانات و منابع اقتصادی که در دسترس متقاضیان است، اعطا می‌شود و تصریح و البته ملزم می‌نمایند که متقاضیان دارای صلاحیت‌های لازم و تجهیزات کافی بوده یا اینکه استفاده از روش‌ها و تجهیزات خاصی را ممنوع می‌نمایند».

مطابق تدابیر یاد شده، دولت‌های متعاقد می‌توانند مجوز فعالیت‌های مربوط به حفاری و بازیابی را به افراد و ارگان‌های خصوصی اعطا نمایند. در حالی که همه بقایای زیر آب که حداقل ۱۰۰ سال قدمت دارند، از تدابیر حفاظتی کنوانسیون بهره‌می‌برند، اما در عین حال

1. Parliamentary Assembly of the Council of Europe, 'The Underwater Cultural Heritage: Report of the Committee on Culture and Education', Document 4200-E, Strasbourg, 1978, p. 53.

2. Ibid., p. 70.

۳. پیش‌نویس این کنوانسیون به علت مخالفت دولت ترکیه در خصوص قلمرو اعمال مقررات آن، در کمیته وزیران شورای اروپا به تصویب نرسید

(Blake, 1996: 824).

4. Private Persons.

تصریح شده است که شیوه اقدام در خصوص هر محوطه باستانی باید متناسب با «ویژگی‌های خاص» آن محوطه باشد. پیش‌نویس کنوانسیون به طور کلی بر اهمیت ثبت و ضبط اطلاعات تأکید نموده و در خصوص نحوه اقدام درباره اشیای باستانی تا حدودی برای دولت‌ها آزادی عمل قائل شده است. همچنین به دولت‌های متعاقد اجازه می‌دهد که با مدنظر قرار دادن اهمیت اشیای باستانی، در خصوص نگهداری یا عدم نگهداری آنها تصمیم بگیرند.

مسئله بهره‌برداری تجاری یکبار دیگر و از رهگذر «کنوانسیون اروپایی ۱۹۹۲ والتا در خصوص حفاظت از میراث باستانی»^۱ مطرح شد. در گزارش منضم به این کنوانسیون و در تفسیر ماده ۳ آن که دولت‌های عضو را ملزم می‌نماید سازوکاری ایجاد نمایند که فعالیت‌های باستان‌شناسی مربوط به میراث فرهنگی (از جمله میراث فرهنگی زیر آب) را قاعده‌مند نماید، مقرر شده است: «کاوش و حفاری صرفاً به منظور پیدا کردن فلزات گرانبها و یا اشیای دارای ارزش تجاری هرگز نباید اجازه داده شود». گزارش مزبور باز هم نشان می‌دهد که دخالت فعالان تجاری مجاز بوده به شرطی که هدف از این حفاری‌ها صرفاً بازیابی اشیای دارای ارزش تجاری نباشد.

هنگامی که انجمن حقوق بین‌الملل به تدوین پیش‌نویس کنوانسیون جدیدی در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب پرداخت به نظر می‌رسد که به شدت تحت تأثیر «قانون لاشه کشتی‌های متروکه مورخ ۱۹۸۷»^۲ ایالات متحده بوده است. در این قانون منافع چندگانه به رسمیت شناخته شد و بازیابی توسط بخش خصوصی اگر مطابق اصول و قواعد مبتنی بر حفاظت از ارزش‌های تاریخی اشیاء باشد، مجاز قلمداد شده است.^۳ رئیس انجمن و گزارشگر کمیته مسئول تهیه پیش‌نویس کنوانسیون در این زمینه اظهار داشتند: «ضروری است همه منافع مرتبط را شناسایی و مدنظر قرار دهیم تا یک رژیم معاهداتی ایجاد شود که هم مؤثر باشد و هم شانس به دست آوردن حمایت جامعه بین‌المللی را داشته باشد» (O'Keefe, 1994: 394). در همین راستا انجمن حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس ۱۹۹۴ خود به موضوع بهره‌برداری تجاری نیز پرداخت. این پیش‌نویس انجام فعالیت‌های تجاری را به شرطی که به طور مناسبی قاعده‌مند گردند و با توجه به استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی انجام گیرند، تجویز می‌کند. در

1. European Convention on the Protection of the Archaeological Heritage.
2. Abandoned Shipwreck Act of 1987.
3. 42 U.S.C. sec. 2103(a) (2) (C).

راستای پیروی از رویکرد قانون ۱۹۸۷ ایالات متحده، این پیش‌نویس اعمال قوانین نجات بر میراث فرهنگی زیر آب (طبق تعریف مقرراتش) را تجویز نمود،^۱ اما در مقدمه «نجات دهندگان» را در فهرست طرف‌هایی دانسته که همکاری آنها برای محافظت از میراث مزبور در برابر «اقدامات غیرمسئولانه» لازم و ضروری است. مقدمه اکتشاف، حفاری و حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب را مستلزم «استفاده از شیوه‌های علمی خاص و روش‌ها و تجهیزات مناسب و همچنین درجه بالایی از تخصص حرفه‌ای» دانست.

یونسکو در اوایل دهه ۱۹۹۰ به موضوع حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب توجه نشان داد، اما نحوه مواجهه رژیم قانونی آینده با موضوع بهره‌برداری تجاری، در زمره مهمترین مسائل مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب قرار نداشت. مطالعه امکان‌سنجی که در سال ۱۹۹۵ منتشر شد، نتیجه گرفت که اعمال قوانین نجات، نه تنها باعث ترغیب و تشویق افراد برای برداشتن اشیای باستانی از بستر دریا در راستای اهداف تجاری می‌گردد، بلکه تخریب و صدمه به میراث فرهنگی زیر آب را افزایش می‌دهد.^۲ پیش‌نویسی که یونسکو با همکاری «بخش امور اقیانوسی و حقوق دریاهای سازمان ملل متحد»^۳ در ۱۹۹۸ تهیه نمود، موضع نسبتاً متزلزلی را در مورد قوانین نجات اتخاذ نمود و (به طور ضمنی) امکان مشارکت تجاری را پذیرفت. همانند پیش‌نویس ۱۹۹۴ انجمن، این پیش‌نویس نجات دهندگان را در فهرست طرف‌هایی قرار داد که همکاری آنها برای اطمینان از حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب لازم و ضروری است و به جای اشاره صریح به قوانین نجات، «عدم اعمال هر قانون داخلی یا مقرراتی که انگیزه‌های تجاری برای کاوش و برداشتن میراث فرهنگی زیر آب ایجاد می‌نمایند»^۴ را مقرر نمود. اگرچه این مقرر به صورت صریح؛ اعمال قوانین نجات را مستثنی ننموده اما لحن آن به گونه‌ای است که همان نتیجه را در پی خواهد داشت و بیانگر آن است که رژیم قانونی آینده رژیمی نخواهد بود که بهره‌برداری تجاری را پذیرفته یا ترغیب

۱. ماده ۴ پیش‌نویس انجمن حقوق بین‌الملل مورخ ۱۹۹۴: «میراث فرهنگی زیر آبی که این کنوانسیون در مورد آن اعمال می‌گردد، مشمول قوانین نجات نخواهد بود».

2. UNESCO Secretariat, 'Feasibility Study for the Drafting of a New Instrument for the Protection of the Underwater Cultural Heritage', presented to the 146th Session of the UNESCO Executive Board, Paris, 23 March 1995, Doc. 146 EX/27, para. 32.

3. United Nations Division of Ocean Affairs and Law of the Sea (DOALOS).

۴. بند ۲ ماده ۱۲.

نماید (Dromgoole and Gaskell, 1998: 188).

در جریان مذاکرات ۲۰۰۱ یونسکو برای تصویب کنوانسیون جدید، در حالی که نمایندگان دولت‌ها به شدت خواستار اتخاذ ممنوعیت بهره‌برداری تجاری به عنوان یک اصل در کنوانسیون بودند، ایالات متحده با همراهی انگلستان هوشیار بودند تا اطمینان حاصل کنند که در چارچوب تمهیدات کنوانسیون، آزادی عمل دولت‌ها حداقل در مورد سطوحی از بهره‌برداری تجاری وجود داشته باشد. البته به نظر می‌رسد که تدوین کنندگان کنوانسیون برای جلب حمایت دولت‌ها چاره‌ای نداشتند جز اینکه برخی از اقدامات تجاری را (تا آنجا که مطابق استانداردهای علمی کنوانسیون باشند) بپذیرند (Nafziger, 2000: 88).

۴. رویکرد کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب

در مقدمه کنوانسیون اشاره صریح به نجات دهندگان به عنوان طرف‌هایی که همکاری با آنها برای حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب ضروری است، حذف شد،^۱ و «افزایش استفاده تجاری از میراث فرهنگی زیر آب و بویژه... فعالیت‌های خاصی که با هدف فروش، خرید و یا مبادله میراث فرهنگی زیر آب صورت می‌گیرد» به عنوان مسائلی شناخته شد که باعث نگرانی عمیق است.^۲ بنابراین اگر کسی به متن اصلی کنوانسیون نیز نگاه نکند، برای وی روشن خواهد بود که فعالان تجاری نمی‌توانند در چارچوب مقررات کنوانسیون به عنوان بهره‌برداران مشروع میراث فرهنگی زیر آب قلمداد گردند. در همین راستا بند هفتم ماده ۲ که اهداف و اصول کلی کنوانسیون را مشخص می‌کند، بیان می‌دارد: «میراث فرهنگی زیر آب نباید به صورت تجاری مورد بهره‌برداری قرار گیرد». قرارگیری ممنوعیت بهره‌برداری تجاری در فهرست اهداف و اصول کلی کنوانسیون نشان دهنده موضع سخت دولت‌ها در خصوص این موضوع است (O'Keefe, 2002: 54). با توجه به این مقرر، پرسش‌های فراوانی مطرح می‌شود: بهره‌برداری تجاری در چارچوب کنوانسیون دقیقاً به چه معناست؟ آیا «بهره‌برداری تجاری» در کنوانسیون مزبور دربرگیرنده درآمدهای نمایشگاهی و رسانه‌ای نیز خواهد بود؟

۱. بند دهم مقدمه کنوانسیون.

۲. بند هشتم مقدمه کنوانسیون.

آیا فروش میراث فرهنگی به هر شکل نظیر فروش تعدادی از اشیای کشف شده و یا فروش کل مجموعه غیرمجاز خواهد بود؟ در نهایت آیا اساساً این ممنوعیت امکانی برای مشارکت فعالان تجاری در چارچوب نظام حقوقی حاکم بر میراث فرهنگی زیر آب باقی می‌گذارد؟

با توجه به اینکه «بهره‌برداری تجاری» در کنوانسیون تعریف نشده است، ضرورت دارد برای پاسخ به این پرسش‌ها نگاهی به ضمیمه کنوانسیون با عنوان «قواعد مربوط به فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب» بیندازیم که حاوی توضیحاتی در خصوص عبارت «بهره‌برداری تجاری» در بند هفتم ماده ۲ کنوانسیون است.^۱ قاعده ۲ ضمیمه در این خصوص اشعار می‌دارد: «بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی زیر آب جهت تجارت یا خرید و فروش یا پراکندن غیرقابل جبران آن اساساً مغایر با حفاظت و مدیریت صحیح میراث فرهنگی زیر آب است. میراث فرهنگی زیر آب را نمی‌توان به عنوان اشیای تجاری معامله، خرید، فروش یا معاوضه نمود.» «جمله نخست تا حدودی عجیب به نظر می‌رسد، بدین خاطر که این جمله به گونه‌ای تنظیم شده که به جای آنکه یک قاعده باشد، بیشتر یک خط و مشی در این زمینه است. اما جمله دوم آن قطعاً یک قاعده محسوب می‌شود» (O'Keefe, 2002: 158). در هر صورت مفهوم مخالف جمله اول این قاعده آن است که بهره‌برداری تجاری از این اشیا به شیوه‌ای غیر از فروش (یا سایر روش‌های داد و ستد) آنها نقض مقررات کنوانسیون نیست، مگر اینکه منجر به پراکندن غیرقابل جبران این اشیا گردد. لحن این مقررہ بیانگر آن است که پراکندگی غیرقابل بازگشت به هر صورتی که رخ دهد، اساساً با حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب ناسازگار است.

از سوی دیگر، فروش میراث فرهنگی زیر آب (حداقل فروش آن به عنوان اشیای تجاری) ظاهراً ممنوع است و به نظر می‌رسد حتی اگر این ممنوعیت منجر به پراکندگی غیرقابل برگشت آن نیز نشود هم، پابرجا خواهد بود. تا اینجا روشن است آشکالی از بهره‌برداری تجاری که منجر به پراکندن غیرقابل جبران اشیای تاریخی و باستانی نگردد، مشمول این مقررات نخواهند بود. از جمله این موارد می‌توان به نمایش اشیای بازیابی شده برای عموم،

۱. مطابق ماده ۳۳ کنوانسیون «قواعد پیوست این کنوانسیون بخش جدایی‌ناپذیر آن می‌باشد، در صورتی که به صراحت به شکل دیگری مقرر نشده باشد، اشاره به این کنوانسیون دربرگیرنده اشاره به قواعد نیز خواهد بود».

چاپ کتاب‌ها و ساخت لوح‌های فشرده و یا فروش حقوق مربوط به آنها اشاره نمود. این نوع فعالیت‌ها در محدوده ممنوعیت بهره‌برداری تجاری مندرج در بند ۷ ماده ۲ قرار نمی‌گیرند.

۴-۱. شرایط و ضوابط بهره‌برداری تجاری

بندهای ۱ و ۲ این قاعده حدود و ثغور آن را روشن‌تر می‌نماید: «این قاعده را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر نمود که مانع موارد زیر باشد:

الف- ارائه خدمات باستان‌شناسی حرفه‌ای یا خدمات لازم و ضمنی مربوط به آن که ماهیت و هدف آنها با این کنوانسیون تطابق کامل دارد و مشمول مجوز مقامات صلاحیت‌دار باشند؛

ب- واگذاری میراث فرهنگی زیر آب که در زمان انجام پروژه‌های پژوهشی طبق این کنوانسیون بازیابی شده است، به شرط آنکه لطمه‌ای به منافع علمی یا فرهنگی یا یکپارچگی اشیای بازیابی شده نزنند یا منجر به پراکنده شدن غیرقابل جبران آن نگردد و مطابق مفاد قواعد ۳۳ و ۳۴ مشمول مجوز مقامات صلاحیت‌دار باشد.»

گنجانیدن این مقررات در متن ضمیمه کنوانسیون به منظور رفع نگرانی‌های برخی دولت‌ها (بویژه ایالات متحده آمریکا) در مورد تأثیر رویکرد کنوانسیون در قبال ممنوعیت بهره‌برداری تجاری بوده است (Garabello, 2003: 184 & 185). در هر صورت باید دید که این مقررات دقیقاً حاوی چه معنا و مفهومی هستند.

۴-۱-۱. ارائه خدمات باستان‌شناسی حرفه‌ای: بند الف قاعده ۲

رویه معمول خدمات حرفه‌ای باستان‌شناسی بدین صورت است که شرکت‌های فعال در این حوزه در برابر دریافت مبلغ مشخصی، خدماتی نظیر انجام ارزیابی‌های باستان‌شناسی پیش از شروع فعالیت‌ها، عملیات نجات و سایر خدمات باستان‌شناسی ارائه می‌دهند. در برخی از کشورها این خدمات توسط نهادهای انتفاعی ارائه می‌شود. بند الف روشن می‌کند که ارائه این خدمات و خدمات لازم مرتبط با آن (به عنوان مثال تأمین کشتی‌ها و سایر تجهیزات) مشمول ممنوعیت بهره‌برداری تجاری مقرر در صدر قاعده ۲ نخواهند بود. از دیدگاه فعالان تجاری که خواهان شرکت در عملیات بازیابی لاشه کشتی‌ها هستند، به نظر این مقرر،

انگیزه‌ای برای آنان ایجاد می‌کند مشروط بر اینکه ماهیت و اهداف خدمات ارائه شده کاملاً منطبق با مقررات کنوانسیون بوده و با مجوز مقامات صالح انجام گیرد. بنابراین هیچ چیزی نمی‌تواند مانع نهادهای انتفاعی جهت انعقاد قرارداد با دولت‌ها و مالکان خصوصی برای انجام خدمات باستان‌شناسی و سایر خدمات مرتبط گردد. چنین خدماتی می‌تواند شامل کاوش‌های باستان‌شناسی نیز باشد مشروط بر اینکه به طور صحیح تجویز شده و کاملاً با قواعد مندرج در ضمیمه کنوانسیون منطبق باشند. هزینه این خدمات می‌تواند توسط بودجه عمومی یا خصوصی و/یا درآمد حاصل از روش‌های نوین بهره‌برداری تجاری (که طبق مقررات کنوانسیون مجاز است) پرداخت شود.

۲-۱-۴. واگذاری^۱ میراث فرهنگی زیر آب: بند ب قاعده ۲

«واگذاری» واژه مبهمی است که توسط کنوانسیون تعریف نشد ولی به نظر می‌رسد که معنای عادی آن در چارچوب قاعده ۲ و مقررات کنوانسیون به طور کلی به معنای انتقال میراث فرهنگی زیر آب به یک مکان امن یا «گذاردن آن تحت مراقبت شخصی (حقیقی یا حقوقی) باشد» (O'Keefe, 2002: 160). به نظر می‌رسد بند ب قاعده ۲ واگذاری اشیای بازیابی شده را تحت شرایط خاصی ممکن می‌سازد، اما در هر صورت این واگذاری را مشروط به شرایطی نموده است:

الف- واگذاری نباید «منافع علمی یا فرهنگی یا یکپارچگی اشیای بازیابی شده» را از بین

ببرد؛

ب- واگذاری نباید منجر به پراکندگی غیرقابل بازگشت اشیای بازیابی شده گردد؛

پ- واگذاری بایستی مطابق قواعد ۳۳ و ۳۴ ضمیمه کنوانسیون باشد که درباره بازسازی

بایگانی‌های پروژه است؛^۲

1. Deposition.

۲. قاعده ۳۳: بایگانی‌های پروژه از جمله هرگونه میراث فرهنگی زیر آب برداشت شده و یک نسخه از تمامی اسناد مؤید ادعا باید تا جایی که ممکن است به صورت یک مجموعه و به نحوی که در دسترس متخصصان و عموم باشد و نیز جهت بازسازی بایگانی‌ها نگهداری شوند. این امر باید تا حد ممکن سریع انجام گیرد و در هر صورت حداکثر ده سال پس از تکمیل پروژه و مطابق با ضوابط نگهداری از میراث فرهنگی زیر آب انجام گیرد.

قاعده ۳۴: بایگانی‌های پروژه باید طبق استانداردهای تخصصی بین‌المللی و با رعایت مجوز مقامات صلاحیت‌دار اداره شود.

ت- واگذاری باید با مجوز مقامات صلاحیت‌دار باشد.

به نظر می‌رسد یکی از مشکلات اصلی برای فعالان تجاری که به دنبال کسب درآمد از فروش میراث فرهنگی زیر آب هستند، پیش شرط دوم باشد. به عنوان مثال فروش اشیای تجاری در بدو امر ممکن است با سیاست‌های برخی موزه‌ها در خصوص واگذاری سازگار باشد، اما فروش این اشیاء در بازار آزاد به نحوی که موجب پراکنده شدن آنها در میان خریداران مختلف گردد، به نظر می‌رسد که نقض پیش شرط دوم باشد. با وجود این فروش، مبادله، اهدا یا هرگونه واگذاری تمام یا بخشی از میراث فرهنگی زیر آب در صورتی که به نحوی صورت پذیرد که تمامی اجزا قابل ردیابی و در صورت لزوم گردآوری مجدد باشند، ممکن است در چارچوب مقررات کنوانسیون قابل قبول باشند. با توجه به اینکه چنین واگذاری باید توسط مقامات ملی صالح تجویز گردد، دور از ذهن نخواهد بود که مقامات مزبور هرگونه فروش این اقلام را مشروط به مهیا نمودن زمینه مطالعات و دسترسی عمومی بنمایند. علاوه بر این در پرتو نگرش برخی دولت‌ها به میراث فرهنگی به طور کلی، مقامات صالح می‌توانند هرگونه فروش را به عنوان نقض اصل اساسی مندرج در بند ۷ ماده ۲ نیز تفسیر نمایند، بویژه اگر واگذاری مستلزم قرارداد این اشیاء در اختیار بخش خصوصی باشد.

۲-۴. سایر مقررات کنوانسیون

مقررات بند ۷ ماده ۲ و همچنین قاعده دوم قواعد تنها موانعی نیستند که کنوانسیون در راه فعالان تجاری مایل به مشارکت در بازیابی لاشه کشتی‌ها ایجاد نموده است. عدم کارایی معیار مربوط به اهمیت در تعریف میراث فرهنگی زیر آب مندرج در شق الف بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون بدان معنی است که هیچ کشتی غرق شده‌ای که بیش از ۱۰۰ سال در زیر آب است، نباید خارج از چارچوب مقرراتی کنوانسیون مربوطه قرار گیرد.^۱ بنابراین فرصت چندانی برای مشارکت فعالان تجاری جهت بازیابی اشیایی که بیش از ۱۰۰ سال در زیر آب

۱. شق الف بند ۱ ماده ۱: «میراث فرهنگی زیر آب» به تمامی نشانه‌های زندگی بشری اطلاق می‌شود که دارای مشخصه فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناختی باشد و به صورت دوره‌ای یا دائمی، حداقل صد سال، تمام یا بخشی از آنها در زیر آب وجود داشته باشد...». در این تعریف دو معیار برای توصیف میراث فرهنگی زیر آب بکار رفته: اول معیار مربوط به ماهیت که همان ویژگی یا «مشخصه فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناختی» است و معیار دوم قید زمانی صد سال در زیر آب بودن است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع کنید به:

(O'Keefe, 2002, pp. 41-43).

بوده‌اند، باقی نمی‌ماند. در نتیجه، اگر کنوانسیون در آینده به صورت گسترده از سوی دولت‌ها پذیرفته شود، ممکن است آن بخش از فعالان تجاری که الگوهای تجاری‌شان بیشتر مبتنی بر فروش اشیای تاریخی و باستانی است، فعالیت‌های خود را متوجه محوطه‌های باستانی نمایند که کمتر از ۱۰۰ سال در زیر آب بوده‌اند. اگرچه مقررات کنوانسیون؛ تحت شرایطی (ارائه خدمات باستان‌شناسی و خدمات مرتبط دیگر) اجازه اقدامات معطوف به میراث فرهنگی زیر آب که بیش از ۱۰۰ سال در زیر آب بوده‌اند را به فعالان تجاری می‌دهد، اما چنین تجویزی با توجه مقررات قاطع بند ب قاعده ۲ و مقررات راجع به تأمین بودجه و همچنین تأکید بر قاعده «حفاظت در محل»^۱، بسیار محدود شده است. بنابراین در حال حاضر مشخص است که پروژه‌های باستان‌شناسی که متکی به تأمین منابع مالی از راه فروش اشیاء هستند، بعید است که از سوی مقامات صلاحیت‌دار قابل قبول تلقی گردند.^۲

روند آهسته تصویب کنوانسیون در ابتدا ممکن است تا اندازه‌ای به خاطر «واکنش به شدت ممنوعیت بهره‌برداری تجاری توسط کنوانسیون» بوده باشد (Marryman, 2009: 130 & 131). اما بیانیه‌های ایالات متحده در رابطه با اعتراض این دولت به کنوانسیون^۳ و همچنین بیانیه‌های هلند و بریتانیا در مورد امتناع آنها از رأی به این کنوانسیون هیچ اشاره‌ای به موضوع بهره‌برداری تجاری نمی‌نمایند.^۴ بنابراین می‌توان گفت که راه کاری که در قاعده ۲ ارائه شده، نگرانی‌های عمده این دولت‌ها را برطرف نموده است (Camarda & Scovazzi, 2002: 424-433 & 425). در مجموع با اینکه به نظر نمی‌رسد هیچ دولتی در رابطه با این موضوع ابراز نگرانی کرده باشد، این احتمال وجود دارد که بخشی از تردید دولت‌ها برای تصویب کنوانسیون، ناشی از نگرانی آنها در خصوص تأثیر مقررات این کنوانسیون بر توانایی آنها

1. In Situ Preservation.

بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون: «قبل از اجازه یا اقدام به هر فعالیت معطوف به میراث فرهنگی زیر آب، حفاظت در محل (از میراث مزبور) به عنوان اولویت اول لحاظ خواهد شد»
قاعده اول ضمیمه کنوانسیون: «حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب از رهگذر حفاظت در محل، به عنوان اولین گزینه مورد توجه قرار خواهد گرفت...».

2. Recommendation 5 of the Scientific and Technical Advisory Body to the Meeting of States Parties, Third Meeting of the Advisory Body in April 2012 (UCH/12/3. STAB/220/9 REV, 20 April 2012, p. 9)

3. www.state.gov/documents/organization/16676.pdf (Last visited: 15 Feb. 2017)

۴. دولت انگلستان در بیانیه خود در مورد رأی‌گیری اعلام کرد که «می‌تواند از اکثر مواد (کنوانسیون)، به ویژه قواعد پیوست آن، حمایت نماید».

جهت بهره‌برداری تجاری از لاشه کشتی‌های دولتی‌شان باشد.

نتیجه‌گیری

مطابق مقررات کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو؛ بازیابی میراث فرهنگی زیر آب هنگامی که از دیدگاه مقامات صلاحیت‌دار ملی در راستای منافع بشریت و سازگار با سایر مقررات باشند، مجاز بوده و از سوی دیگر، مشارکت فعالان تجاری در بازیابی تحت شرایط خاصی ممنوع نخواهد بود. با توجه به تنوع شیوه‌های بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی زیر آب که امروزه محدود به فروش میراث مزبور نیست، دیگر نمی‌توان با قاطعیت از تضاد آن با اصول باستان‌شناسی صحبت نمود. تمهیدات سختگیرانه پیش‌بینی شده در کنوانسیون به گونه‌ای است که فعالانی که به دنبال چیزی غیر از سود اندک هستند، بعید است مشارکت در بازیابی میراث فرهنگی در چنین شرایطی برایشان به صرفه باشد. تجربه نشان داده است بهره‌برداری تجاری به شیوه‌هایی غیر از فروش اشیای باستانی و تاریخی نمی‌تواند از لحاظ اقتصادی توجیه‌کننده مشارکت آنها در این حوزه باشد. در چنین شرایطی هزینه‌های هنگفتی که در پروژه‌های گسترده بازیابی لاشه برخی کشتی‌ها صورت گرفت مبین آن است که انجام چنین پروژه‌هایی در آینده بسیار دشوار و در نتیجه اندک خواهند بود.

رویکردی که کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در این خصوص اتخاذ نمود اگرچه بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی زیر آب را در قالب درآمدهای نمایشگاهی یا رسانه‌ای منع نمی‌کند، اما در خصوص فروش میراث مزبور، رویکردی واپس‌گرایانه و البته محافظه‌کارانه اتخاذ نموده و اثر چندانی از آینده‌نگری در آن دیده نمی‌شود. با توجه به محدودیت بودجه عمومی و هزینه‌های سنگین فعالیت‌های باستان‌شناسی در بستر دریا، امروزه نمی‌توان با قاطعیت از عدم بهره‌برداری تجاری از میراث فرهنگی بازیابی شده حتی در معنای مضیق آن یعنی فروش، دفاع نمود. مقررات کنوانسیون، تقریباً فروش اشیای باستانی و تاریخی را منع کرده است، در حالی که در بسیاری از موارد فروش این اشیاء نمی‌تواند تضاد خاصی با اصول باستان‌شناسی داشته باشد. بنابراین بهتر بود که تدوین‌کنندگان کنوانسیون با دیدگاهی نوین و واقع‌گرایانه به این موضوع نگریده تا امکان فعالیت‌های باستان‌شناسی از لحاظ مالی همچنان فراهم باشد. در این

صورت هم‌فعالان تجاری می‌توانند از منافع سرشار اقتصادی ناشی از فعالیت‌های باستان‌شناسی بهره‌برند و هم فرصت‌های بیشتری برای باستان‌شناسان زیر آب جهت انجام حفاری‌های بیشتر و در نتیجه حفاظت مؤثرتر از میراث فرهنگی زیر آب فراهم خواهد شد.

منابع

Books

- Camarda, Guido and Scovazzi, Tulio, (eds.), (2002), *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: Legal Aspects*, Milan: Giuffrè Editore.

- Forrest, Craig J. S, (2010), *International Law and the Protection of Cultural Heritage*, Oxon, Routledge.

- Stemm, Gregory and Kingsley, Sean, (2010), *Oceans Odyssey: Deep-Sea Shipwrecks in the English Channel, Straits of Gibraltar and Atlantic Ocean*, Oxford and Oakville, CT: Oxbow Books.

- O'Keefe, Patrick J, (2002), *Shipwrecked Heritage: A Commentary on the UNESCO Convention on Underwater Cultural Heritage*, Institute of Art and Law.

Articles

- Bederman, David J, (1998-99), "Historic Salvage and the Law of the Sea", University of Miami *Inter-American Law Review*, Vol. 30, No. 1.

- Blake, Janet E, (1996), "The Protection of Underwater Cultural Heritage", *International & Comparative Law Quarterly*, Vol. 45, No. 4.

- Bryant, Christopher. R, (2001), "The Archaeological Duty of Care: The Legal, Professional, and Cultural Struggle over Salvaging Historic Shipwrecks", *Albany Law Review*, No. 65.

- Dorsey, William R, (2000), "Historic Salvors, Marine Archaeologists, and the UNESCO Draft Convention on the Underwater Cultural Heritage", *Paper Delivered at Houston Marine Insurance Seminar 2000*, available at www.houstonmarineseminar.com.

- Dromgoole, Sarah, (2003), "2001 UNESCO Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol. 18, No. 1.

- Dromgoole, Sarah, (2004), "Murky Waters for Government Policy: The Case of a 17th Century British Warship and 10 Tonnes of Gold Coins", *Marine Policy*, Vol. 28, No. 3.

- Dromgoole, Sarah and Gaskell, Nicholas, (1998), "Interests in Wreck", in N. Palmer and E. McKendrick (eds.), *Interests in Goods*, London and Hong Kong: Lloyd's of London Press, Second Edition.

- Garabello, Roberta, (2003), "The Negotiating History of the Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage", in Roberta Garabello and Tullio Scovazzi (eds.), *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: Before and after the 2001 UNESCO Convention*, Leiden and Boston: Martinus Nijhoff Publishers.

- Hutchinson, Gillian, (1996), "Threats to Underwater Cultural Heritage. The Problems of Unprotected Archaeological and Historic Sites, Wrecks and Objects Found at Sea", *Marine Policy*, Vol. 20, No. 4.

- Marryman, John Henry, (2009), "Two Ways of Thinking about Cultural Property", in J. Merryman, *Thinking about the Elgin Marbles: Critical Essays on Cultural Property*, Art and Law, Kluwer Law International, 2nd Edition.

- Nafziger, James A. R, (2000), "Historic Salvage Law Revisited", *Ocean Development & International Law*, Vol. 31, No. 1-2.

- O'Keefe, Patrick J. and Nafziger, James A. R, (1994), "Report: The Draft Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage", *Ocean Development on International Law*, Vol. 25, No. 4.

- Parham, Dave and Stemm Gregory P, (2010), "Maritime Archaeology Business Models", *Nautical Archaeology Society Newsletter*, Summer 2010.

- Stemm, Gregory P, (2000), "Differentiation of Shipwreck Artifacts as a Resource Management Tool", *Association of Dive Contractors/Marine Technology Society UI 2000 Conference*, January 2000, (available at www.shipwreck.net).

Cases

- RMS Titanic Inc v Wrecked and Abandoned Vessel, 924 F. Supp. 714, 722-723 (ED Va, 1996).

- RMS Titanic Inc v Wrecked and Abandoned Vessel, 9 F. Supp. 2d 624,639-640 (ED Va, 1998).

- RMS Titanic Inc v Wrecked and Abandoned Vessel, 286 F. 3d 194 (4th Cir (Va), 2002).

Documents

- Parliamentary Assembly of the Council of Europe, "The Underwater Cultural Heritage: Report of the Committee on Culture and Education", Document 4200-E, Strasbourg, 1978.

- Recommendation 5 of the Scientific and Technical Advisory Body to the Meeting of States Parties, Third Meeting of the Advisory Body in April 2012 (UCH/12/3. STAB/220/9 REV, 20 April 2012).

- UNESCO Secretariat, “Feasibility Study for the Drafting of a New Instrument for the Protection of the Underwater Cultural Heritage”, presented to the 146th Session of the UNESCO Executive Board, Paris, 23 March 1995, Doc. 146 EX/27.